

سجادپور -عضوباندسرت‌های‌بامادای‌قطعات‌خودرو در مشهد، هنگام فرار از جنگ قانون، با شلیک پلیس روبه‌رو شد و به ایستگاه‌آخرت رسید! به گزارش اختصاصی خر اسان، حدود ساعت ۴:۳۰ بامداد پنج شنبه گذشته، نیروهای گشت انتظامی که دیگر حتی نقاط تاریکو کوجهوخیابان‌هارا به قرق خود در آورده‌اند، همچنان باتنیزبینی و هوشیاری به عملیات حفاظتی وپیشگیری از وقوع جرم ادامه می دادند که ناگهان با سرنشینان یک دستگاهپژو ۴۰۵ برخورد کردند که در حال سرتقت قطعات خودرویی دیگر بودند. ماموران انتظامی بلافاصله به طرف سارقان حرکت کردند و دستور «ایست» دادند اما دران حرقه ای که ناباورانه متوجه حضور پلیس شده بودند، سرت رانیمه تمام گذاشتند و برای فرار از جنگ پلیس، پدال گاز را فشردند. نیروهای انتظامی که دیگر باحمایت‌های قاطع قانونی، مبارزه گسترده‌ای را برای حفاظت از اموال مردم آغاز کرده اند، بی درنگ به تعقیب

سارقان پرداختند و فرمان «ایست» دادند ولی دران حرقه‌ای بدون توجه به شلیک‌های هوایی و اخطارهای قانونی، همچنان به‌ویز اژهای خطرناک ادامه می دادند. طولی نکشید که هیاهویی در بی سیم‌های پلیس برپا شد و ماجرای فرار سارقان به سمت بولوار و کیل آباد، همه یگان‌های انتظامی را به حالت آماده باش در آورد. فرمانده انتظامی مشهد که بر عملیات بامدادی نیروهای گشت به طور مستقیم نظارت می کرد، دستور تعقیب تازمان دستگیری یغماگران اموال مردم را صادر کرد. به گزارش خراسان، این گونه بود که نیروهای انتظامی با حمایت‌های قانونی سرهنگ حسین دهقان پور (رئیس پلیس مشهد) در حالی به عملیات تعقیب

و گریز ادامه دادند که راننده پژو ۴۰۵ با حرکات مارپیچ و هشتناک، جان رانندگان عبوری را نیز به مخاطره انداخته بود. در حالی که هر لحظه احتمال وقوع حادثه‌ای هولناک، چشم‌هارا خیره می کرد، نیروهای انتظامی لاستیک خودرو را هدف گرفتند و هر دو لاستیک را پنجر کردند اما سارقان همچنان با صدای دلخراش کشیده شدن رینگ‌های فولادین روی آسفالت خیابان به فرار ادامه دادند تا جایی که دیگر تکه‌های لاستیک خودرو به گوشه و کنار بولوار پرت می شد. در این هنگام بود که هر دو سارق خود را در معرض واژگونی خودرو دیدند و آن را متوقف کردند ولی باز هم تسلیم قانون نشدند و با پای پیاده هر کدام به سویی گریختند تا آخرین نقشه خود را

اختصاصی خراسان

شلیک پلیس به سرت‌های بامدادی قطعات خودرو و پایان داد ماجرای فرار به ایستگاه آخرت!

ایستگاه آخرت کشید. گزارش خراسان حاکی است: درپی وقوع این حادثه مرگبار، تحقیقات گسترده ای با حضور بامدادی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد) در مرکز درمانی آغاز شد و ماجرای مذکور مورد واکاوی دقیق قضایی قرار گرفت. در همین باره فرمانده انتظامی مشهد باز هم به سارقان و مجرمان حرقه‌ای هشدار داد که تأدیر نشده دست از اعمال خلاف و تبهکاری بردارند و به مسیر درست زندگی بازگردند چرا که نیروهای انتظامی برای حفاظت از جان و مال و ناموس مردم از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند و برای آسایش و آرامش شهروندان و احساس امنیت در جامعه با حمایت‌های قاطعانه و قانون مدارانه دستگاه قضایی آماده جانشانی هستند. سرهنگ حسین دهقان پور همچنین به طرح‌های ویژه پلیس برای مبارزه با سرتقت در مشهد اشاره کرد و گفت: عملیات‌های انتظامی برای نجات وی به نتیجه نرسید و او آخرین نفس هایش را قبل از رسیدن به

فرمانده انتظامی مشهد از دستگیری باند «سیگاری ها» خبر داد

دستبرد بازاریاب‌های قلابی به حساب بانکی کسبه! اعضای این باند تاکنون به ۱۰۰ فقره سرت‌ کارت بانکی کسبه در شهرهای مختلف کشور اعتراف کرده اند

سجاد پور - سه عضو یک باند سرت‌ که در پوشش «فروش سیگار» و باترفندی خاص ر مز حساب بانکی مغازه داران و کسبه را به دست می آوردند و سپس بارپودن کارت بانکی آنان، اقدام به خرید طلا و کالامی کردند با تلاش شبانه روزی کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد دستگیر شدند و راز بیش از ۱۰۰ فقره سرتقت در شهرهای مختلف کشور افاش کردند. رئیس پلیس مشهد روز گذشته در گفت وگویی اختصاصی با خراسان به تشریح جزئیات دستگیری اعضای باند «بازاریاب‌های قلابی» پرداخت و گفت: از مدتی قبل پرونده هایی در مراکز انتظامی مشهد تشکیل شد که محتویات آن‌ها از ترفند خاص یک باند سرتقت در پوشش «بازاریاب سیگار» حکایت داشت، به همین دلیل گروه ویژه‌ای از نیروهای پلیس آگاهی مشهد، مامور شدند به ریشه یابی ماجرای سرت‌های مذکور از مغازه داران محلی و کسبه پیرازندن چرا که اعضای این باند با قریب متصدیان فروشگاه‌ها، از مز حساب بانکی مطلع می شدند و در یک لحظه نیز کارت عابر بانک کسبه را به سرتقت می بردند. سرهنگ حسین دهقان پور اضافه کرد: با ورود تحلیلی و کارشناسی کارآگاهان به این ماجرا و بررسی پرونده های مذکور مشخص شد که اعضای یک باند حرقه‌ای با نقشه ای بسیار ماهرانه، فروشندگان و متصدیان بانویا نوجوان فروشگاه‌هارا فریب می دهند و کارت بانکی را به سرتقت می برند. تحقیقات بیشتر بیانگر آن بود که سرت‌های مذکور در پوشش «بازاریابی» صورت می گیرد. بنابر این عملیات تخصصی کارآگاهان برای شناسایی اعضای این باند به ردیابی‌های اطلاعاتی کشید و مشخص شد که اعضای این باند در سرت‌ها از یک دستگاه موتورسیکلت یا خودروی پراید استفاده می کنند. مقام ارشد انتظامی مشهد

تصریح کرد: اگرچه در برخی موارد اعضای این باند به بهانه این که مسافر هستند از کسبه پول نقد دریافت کرده بودند اما در واقع شگرد اصلی آنان سرتقت در پوشش «فروش سیگار» به عنوان بازاریاب بود. وی خاطر نشان کرد:

در زدن‌های اطلاعاتی در طلافروشی‌ها یا مکان‌های دیگری که سارقان با عابر بانک‌های سرتتی طلا و کالا خریداری کرده بودند، ادامه یافت تا این که سرخ‌های مهمی از تصاویر متهمان به دست آمد و عملیات شناسایی آنان در دستور کار قرار گرفت. «کلیددار امنیت شهر» افزود: با آن‌که سه نشانی از سارقان در مشهد به دست آمد، آنان در هیچ کدام از مخفیگاه‌های مذکور حضور نداشتند ولی بررسی‌های دقیق با فناوری‌های نوین انتظامی، بالاخره کارآگاهان را به منطقه شهر جدید گلپه‌ار کشاند و سپس کارآگاهان با همکاری صمیمانه بنگاه داران و متصدیان و مشاوران املاک، مخفیگاه یکی از سارقان را شناسایی کردند. سرهنگ دهقان پور گفت: با دستگیری این جوان ۲۲ ساله سابقه دار، و هم‌دست دیگری و نیز شناسایی شدند و در عملیات‌های جداگانه به دام افتادند. این مقام انتظامی یادآور شد: با انتقال سه عضو این باند حرقه‌ای به مقر انتظامی،



تصویر دو تن از اعضای اصلی باند سیگاری ها

دهقان پور با اشاره به بررسی‌های ریزبینانه پلیسی در این پرونده که موحی از احساس ناامنی را بین کسبه محلی به راه انداخته بود، گفت: تحقیقات نشان داد که یکی از متهمان ابتدا به عنوان «فروشنده سیگار» وارد مغازه‌هایی می شد که قیلان‌ها را از نظر گرفته بودند و یقین داشتند که صاحب فروشگاه محل را ترک کرده است و شاگرد یا متصدی در مغازه حضور دارد. این جوان از فروشنده نوجوان یا بانویی که در فروشگاه بود، درخواست می کرد شماره تلفن مالک و صاحب مغازه را برای هماهنگی خرید سیگار به او بدهد. اوسپس مقابل چشمان فروشنده با مالک مغازه تماس می گرفت و با وپواری خرید سیگار گفت وگومی کرد. اما با آن‌که صاحب مغازه این مکالمه تلفنی را قطع می کرد ولی «بازاریاب قلابی» همچنان به این گفت وگو با تلفن خاموش ادامه می داد و طوری به متصدی فروشگاه وانمود می کرد که صاحب مغازه سفارش خرید تعداد زیادی



تحقیقات و بازجویی‌های تخصصی از آنان با صدور دستورات ویژه قضایی ادامه یافت تا این که آنان به بیش از ۱۰۰ فقره سرتقت باشیوه «بازاریابی» برای فروش سیگار» اعتراف کردند. سرهنگ

سیگار را داده است! او اومی خواهد که سیگارهارا بخرد! سپس با قطع مکالمه تلفنی و در حالی که اعتماد و اطمینان فروشنده را از درخواست خرید سیگار توسط مالک مغازه جلب کرده بود، از وی می خواست کارت عابر بانک را برای واریز وجه خرید در اختیار وی بگذارد تا از دستگاه «پوزه» استفاده کند. متصدی فروشگاه‌نیز که شاهد این مکالمه تلفنی بود، کارت را به همر اهرمز آن در اختیار فروشنده قلابی سیگار قرار می داد. آنان به بیش از ۱۰۰ فقره سرتقت نیز در یک لحظه از مغازه بیرون می رفت و سوار بر موتورسیکلت یا پراید همدستانش از محل می گریخت. آنان سپس به یک طلافروشی یا فروشگاه‌های دیگر می رفتند و با کارت عابر بانک سرتتی که رمز آن را نیز در اختیار داشتند اقدام به خرید کالامی کردند. رئیس پلیس مشهد همچنین با اشاره به سرت‌های گسترده اعضای این باند در شهرهای کشور خاطر نشان کرد: آنان تاکنون معترف شده‌اند که در شهرهای طریقه و شانددیز، نیشابور، گلپه‌ار، چناران، سبزوار، قوچان، شبروان، سرخس و... با همین شگرد دست به سرت‌قت زده‌اند که بررسی‌های بیشتر در این باره ادامه دارد. مقام ارشد پلیس مشهد با بیان این که متهم اصلی ۳۲ ساله و دارای سابقه سرت‌قت است که طرح نقشه‌های این باند بود خاطر نشان کر د: همه اعضای باند سابقه دار هستند و جوانی که در پوشش بازاریاب‌را در فروشگاه‌های می‌شد نیز ۲۹ ساله است اما راکب موتورسیکلت و راننده خودرو ۴۹ و ۵۲ سال دارند. وی در پایان به کسبه و مغازه داران توصیه کرد: به هیچ وجه رمز بانکی خود را در اختیار افراد دیگر نگذار و آموزش‌های لازم را به متصدیان و شاگردان فروشگاه بدهند تا در چنین مواقعی حتما دوباره با آنان تماس بگیرند و حقیقت ماجرای خرید را آجوبیا شوند.

۲ کشته و ۸ مجروح در حادثه انفجار در بازار گل محلاتی دادستان تهران با حضور در محل حادثه، دستورات ویژه‌ای صادر کرد

گفت: متأسفانه دو نفر در این حادثه جان باختند و پنج مصدوم توسط نیروهای اورژانس به مراکز درمانی انتقال یافتند و سه مصدوم نیز توسط تکنیسین‌های اورژانس در محل حادثه در مان شدند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران هم در این باره گفت: بلافاصله پس از اعلام این حادثه به سامانه ۱۲۵، آتش‌نشانان از چهار ایستگاه آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شدند. ملکی افزود: عوامل آتش‌نشانی در محل مشاهده کردند که چهار یا پنج مغازه دچار حادثه شده‌اند. در یکی از این مغازه‌ها انفجاری اتفاق افتاده و موجب شده



در محل حادثه، دستور فوری برای تشکیل پرونده قضایی صادر کرد و بر این اساس مقرر شد تیم کارشناسی در محل حضور یابد و این موضوع را به صورت دقیق بررسی و اظهار نظر کند. دادستان تهران همچنین خواستار سیدگی سریع و دقیق به این پرونده شد و دستورات لازم را برای تعیین برآرس ویژه و تحقیقات فوری در بار این موضوع صادر کرد.

علت اصلی حادثه متروی تهران - کرج اعلام شد

از دوربین‌های نظارتی مشخص شد راهبر قطار جانبی بدون داشتن سیگنال و مجوز عبور از ایستگاه ۷۰۰ متر مانده به محل حادثه سیستم اتوماتیک قطار را بدون رعایت پروتکل و بدون هماهنگی با مرکز فرمان غیر فعال کرده و با وجود فعال بودن سامانه لوپ قطار اکسپرس و در ست عمل کردن سوزن خط اصلی، متأسفانه منجر به برخورد قطار جانبی به قطار تندرو شده است. «در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: «متأسفانه طی سال‌های اخیر اقدامات کافی برای توانمندسازی و تقا و رزایی نیروی انسانی متروی تهران انجام نشده‌از سوی دیگر با فرسودگی و عدم اورهال زیر ساخت‌ها، فشار کاری نیز به این کارکنان زحمت کش دوچندان شده است. این در حالی است که راهبران مترو همواره در خدمت رسانی به شهروندان بی‌دریغ تلاش می‌کنند.»

■ **آغاز بدون محدودیت سرویس دهی در خط ۵** مهدی شایسته اصل مدیرعامل شرکت بهره برداری متروی تهران هم گفت: خط ۵ متروی تهران بدون هیچ محدودیتی از ابتدای صبح پنج شنبه دوم دی‌ماه خدمات‌رسانی دارد.

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری متروی تهران در پی حادثه یک‌دی‌ماه در خط ۵ متروی تهران - کرج - که اطلاعیه‌ای علت‌العلل حادثه متروی تهران - کرج را اعلام کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «پس از بررسی‌های صورت گرفته، علت‌العلل حادثه متروی تهران - کرج در صبح روز یکم دی‌ماه، ضعف ناوگان، فرسودگی در سیستم سیگنالینگ و تجهیزات تشخیص داده شد که به ایجاد خطاهای متعدد در سیستم اتوماتیک و نقل‌ریلی و در نتیجه افزایش تکیه سیستم به عوامل انسانی خارج

از پروتکل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه در سال‌های اخیر منجر شده است. امروزه در متروهای پیشرفته دنیا، مراکز فرمان و سیستم سیگنالینگ از مهم‌ترین بخش‌های مورد توجه محسوب می‌شود که متأسفانه در تهران حدود ۲۰ سال از نوسازی این مراکز حیاتی می‌گذرد.» در ادامه این اطلاعیه آمده است: (طبق بررسی‌های به عمل آمده در کمیسیون عالی سوانح و بازبینی که در ظهر روز حادثه با حضور تمام عوامل ذی‌ربط در ایستگاه چیتگر برگزار شد و پس از بازبینی و بررسی مکالمات مرکز فرمان و تصاویر استخراج شده

حوادث

خراسان روزنامه صبح ایران

شنبه ۴ دی ۱۴۰۰
۲۰ جمادی الاول ۱۴۴۳، شماره ۳۰۸۳۵

در امتداد تاریکی

نجات یک دختر از مرگ شیطانی

رهایم کنید، چرا مرا به حال خود نمی‌گذارید؟ دیگر از این دنیای کثیف خسته شده‌ام، از این همه آدم‌های هوسرانی که با جملات شیرین و عاشقانه به دنبال هوسرانی‌های خودشان بودند

و با همه وجودم بیزارم...

این‌ها بخشی از اظهارات دختر ۲۰ ساله‌ای است که قبل از خودکشی توسط نیروهای امدادی و ماموران انتظامی از مرگ حتمی نجات یافت. او که قصد داشت خود را از بالای پل عابر پیاده به کف خیابان پرت کند، حالا شک ریزان مقابل مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سناباد مشهد نشسته بود و داستان تلخ زندگی اش را این‌گونه بیان کرد: می‌خواهم از عمق وجودم فریاد بزنم! آ‌های دختران جوان این عشق‌های خیابانی فرجامی جز سیاهی ندارد. روی این هوس‌های زودگذر نام «عشق» نگذارید و از سرگذشت من عبرت بگیرید چرا که پدر و مادر من نیز با همین عشق‌های هوس‌آلود پیمان از دواج بستند اما در حالی که مرا به دنیا آورده بودند باز هم برای آسایش و رفاه خودشان از یکدیگر جدا شدند و مرا در این دنیای کثیف تنها گذاشتند.

هنوز به ۳ سالگی نرسیده بودم که سوءظن‌های یک عشق‌خیابانی دیگر در وجود پدرم ریشه دواند و این‌گونه مهر طلاق آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد و من هم فرزند طلاق نام گرفته‌ام! هیچ چیزی از این کلمه و هشتناک نمی‌دانستم. پدرم به دنبال سرنوشت خودش رفت و مادرم با کارگری در خانه‌های مردم راز بر چتر «عشق‌مادری» خود گرفت اما درآمزش به اندازه‌ای بود که فقط شکم مرا سیر می‌کرد تا از گرسنگی جان ندمم.

وقتی به ۳ سالگی رسیدم دیگر نمی‌توانست مرا با خودش به خانه‌های مردم ببرد تا مبادا به چیزی دست بزنم یا لیوانی را بشکنم. او بشقاب غذا و بطری آب را در کنارم می‌گذاشت و در اتاق را به رویم قفل می‌کرد تا هر وقت گرسنه‌شدم غذا بخورم. تلویزیون کوچکی خانه تنها سرگرمی من بود تا روزی که راهی مدرسه شدم. آن‌جا بود که معنای طلاق را فهمیدم و حس تنفر و وجودم را فراگرفت. وقتی هم‌کلاسی‌هایم با شوق و لیخند از پدرشان سخن می‌گفتند که برای آن‌ها کیف و لباس یا مواد خوراکی خریده بود از همه چیز و همه کس بیزار می‌شدم.

دوست داشتم دنیا را تغییر بدهم و کلمه طلاق را زیر پای‌هایم خرد کنم. هرگز نمی‌توانستم این سرنوشت سیاه را بپذیرم که پدر و مادرم نقش اصلی آن را به عهده داشتند، با آن‌که مادرم به سختی برای رفاه و آسایش من تلاش می‌کرد اما همواره با خودم می‌انديشیدم آن‌ها نباید به دنبال یک شش‌قوس‌آلود با زنگی انسان دیگری بازی می‌کردند...

خلاصه به سن نوجوانی که رسیدم شال و کلاه می‌کردم و در خیابان‌ها پرسه می‌زدم چرا که در جست‌وجوی مهر و محبتی گم شده بودم. با لیخند هر پرسی به او دل می‌باختم تا شاید من هم طعم زندگی آرام و شیرین را بیچشم. خوب می‌دانستم مادرم که خود قربانی یک عشق خیابانی بود از سرگردانی من در خیابان‌ها به شدت ناراحت می‌شود و کتکم می‌زند. اگر چه چندین بار همین اتفاق رخ داد ولی دیگر برایم مهم نبود. بارها صدای ناله مادرم از انواع بیماری و کارشناسی در محل حضور یابد و این موضوع را به و به سختی کار او در خانه‌های مردم پی‌می‌بردم ولی هیچ‌گاه دلم به حالش نمی‌سوخت چون عقده‌ای شده بودم، کمبود داشتم و پدر و مادرم را عامل همه بدبختی‌هایم می‌دانستم. روزها به همین ترتیب می‌گذشت تا این که دو سال قبل زمانی که در خیابان پرسه می‌زدم با پسر جوانی آشنا شدم که قول از دواج به من داد. او با جملات عاشقانه اش مرا به زندگی امبدوار کرد ولی من طعمه هوسرانی‌های او بودم چرا که چندماه بعد خیلی راحت ترک‌م کرد.

دیگر شب‌روزم رانمی‌فهمیدم، سعی کردم یک بار دیگر عشق را تجربه کنم و او را به فراموشی بسپارم اما این عشق‌ها بارها و بارها تکرار شد و من بازپچه هوسرانی‌های دیگران شده بودم چرا که هر کدام از آن‌ها با این بهانه که تو با دیگری بوده‌ای، مرا همانند یک دستمال کثیف دور می‌انداختند تا این که چند روز قبل به امید یافتن عشقی کم شده سوار خودرویی شدم اما راننده جوان آن مرا به مکان نامعلومی برد و یک روز عاشقانه اش مرا به زندگی امبدوار کرد ولی من طعمه هوسرانی‌های او بودم چرا که چندماه بعد خیلی راحت ترک‌م کرد.

وقتی خودم را در گوشه خیابان یافتیم همه وجودم پر از نفرت شد، آسمان دور سرم می‌چرخید و کاری از دستم ساخته نبود. این احساس تنهایی و بی‌کسی یا قلبی مالا مال از کینه و نفرت مرا به سمت پل هوایی کشاند و...

گزارش خراسان حاکی است بررسی‌های روان‌شناختی و قضایی درباره ماجرای این دختر جوان با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد بهرام‌فر (رئیس کلانتری سناباد مشهد) آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



قاتل فراری

بنام حیدر قوی‌فرزند احمد ساکن روستای اوتان از توابع چناران **دو نفر** را به صورت مسلحانه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ به قتل رسانده است. در اجرای دستور قضایی، در صورت مشاهده با پلیس آگاهی چناران تماس و مژدگانی عالی دریافت نماید.
تلفن افسر پرونده آگاهی ۰۹۳۶۰۱۷۸۲۶۰
تلفن رئیس آگاهی چناران شیردل ۰۹۱۵۲۴۵۰۱۱۲
تلفن آگاهی چناران ۰۵۱۴۶۱۲۷۳۶۳
تلفن آقای خانی ۰۹۳۶۶۸۸۶۸۶

۸۱۲۰۵۵۴۲۲